فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹، پیاپی ۳
شاپای الکترونیکی: ۲۳۲۵-۲۷۱۷
Doi:10.29252/gsma.1.3.37
http://gsma.lu.ac.ir
صفحات ۵۲ـ ۳۷

بررسی تأثیر بافت‌های ناکارآمد شهری بر آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: شهر مراغه)

احمد پوراحمد *[۱]، استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
حسین حاتمی‌نژاد[۲]، استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
رباب ملکی[۳]، دانشجوی کارشناسی‌ارشد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۹/۱۹

چکیده

پدیده فرسودگی در بافت‌های شهری بر کالبد بافت و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آن اثرگذار است. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال بررسی تاثیر ناکارآمدی بافت‌های شهری بر میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی در شهر مراغه است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده‌اند. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی گردید که مقدار ۰/۷۱۶ بدست آمد. نمونه تحقیق ۴۰۰ نفر از شهروندان شهر مراغه می‌باشند که به روش غیر احتمالی در دسترس نمونه گیری شده اند. در این پژوهش از آزمون‌های آنتروپی، ویکور، T-test، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردیده است. نتایج حاصل از شاخص ویکور نشان داد که نواحی ۵ و ۶ به عنوان نواحی کاملاً کارآمد، نواحی ۷ و ۴ به عنوان نواحی نسبتاً کارآمد و نواحی ۱، ۳ و ۲ نیز به عنوان نواحی کاملاً ناکارآمد تعیین گردیده‌اند. همچنین سنجش وضعیت آسیب‌های اجتماعی در شهر مراغه نشان داد که ناحیه ۱ دارای بیشترین میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی در این شهر می‌باشد. پس از آن نیز به ترتیب نواحی ۳، ۲، ۴، ۷، ۶ و ۵ بیشترین میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی را شاهد بوده‌اند. در پایان نیز نتایج آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی نشان داد که بین نارکارآمدی بافت‌های شهری و وقوع آسیب‌های اجتماعی در سطح شهرها ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده، بافت ناکارآمد شهری، آسیب‌های اجتماعی، مراغه.

[۱] * نویسنده مسئول Email:apoura@ut.ac.ir

نحوه استنادهی به مقاله:
پوراحمد، احمد، حاتمی‌نژاد، حسین، ملکی، رباب (۱۳۹۹). بررسی تأثیر بافت‌های ناکارآمد شهری بر آسیب‌های اجتماعی. فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی. سال اول، شماره ۳ (۳). صص ۵۲ـ ۳۷. Doi:10.29252/gsma.1.3.37

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

۱. مقدمه

بازآفرینی شهری در حال حاضر یکی از موضوعات اساسی است که با بهبود کیفیت محیطی و مشکلات توسعه پایدار مرتبط است. در واقع بازآفرینی موضوعی است که هم معماران و هم اقتصاددانان و جامعه‌شناسان با آن درگیر هستند و هر یک دیدگاه خاص خود را دارند. با توجه به اینکه محلات شهرهای اسلامی، روزگاری محل تبلور پویایی اجتماعی و اقتصادی در حیات شهری بوده‌اند و اکنون به سبب عدم معاصرسازی کالبد و فعالیت‌های موجود، با آسیب‌های متعددی روبرو شده‌اند و نیاز به باز آفرینی مفهوم محله امری ضروری تلقی می‌شود؛ اما امروزه توجه به بافت‌های فرسوده و ناکارآمد و قدیمی و همچنین رفع ناپایداری آنها، به موضوعی جدی و محوری تبدیل شده به گونه‌ای که سازمان‌های ذیربط را به تکاپوی ساماندهی و بازآفرینی بافت‌های مذکور سوق می‌دهد و لزوم مداخله در این بافت‌ها را در دوره‌های مختلف زمانی مطرح نموده است (پوراحمد، ۱۳۸۹: ۷۴).

بافت‌های شهری متعلق به هر زمان و هر مکانی که باشد چه آنهایی که ناکارآمد و کهن هستند و چه آنهایی که رشد و توسعه آتی شهر را رقم می‌زنند برای ادامه حیات خود ناگزیر به پذیرفتن قواعد رشد، تغییرات کالبدی و نیازهای کاربردی هستند. حال آنکه بافت شهری ترکیبی است از فضای فیزیکی اجتماعی و فضای ساخته شده که هر یک ویژگی‌های خود را داشته و نیازهای متفاوتی را طلب می‌کند. به طور کلی کاهش کارایی هر پدیده‌ای، فرسودگی آن را در پی دارد. هنگامی که حیات شهری در محدوده‌ای از شهر به هر علتی رو به رکود می‌رود، بافت شهری آن محدوده در روند فرسودگی قرار می‌گیرد. پدیده فرسودگی در بافت‌های شهری بر کالبد بافت و همچنین بر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آن اثرگذار است (شکوهی، ۱۳۸۸: ۱۷۲). بافت‌های قدیمی شهرهای ایران تحت تأثیر مسائل جغرافیایی، طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اداری و سیاسی مختلفی قرار دارند. اسکان جمعیت زیاد در واحدهای مسکونی بافت قدیم، فشار روانی اجتماعی ناشی از زندگی در بافت‌هایی که دارای ارزش و منزلت اجتماعی بالایی نبوده و نیستند، سبب عدم تمایل مردم و سازمان‌های دولتی در احیای حداقل قسمتی از بافت قدیم شهرها شده است. بحث روز در مورد فضاهای قدیمی و کهن شهری سبب جلب اذهان و ایجاد و حساسیت برای برنامه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گذارن و گیران و نهایتاً مردم به ارزش‌های واقعی نهفته در این فضاها گردیده است. در نتیجه توجه به این ارزش‌ها از مقولات ذهنی فراتر رفته و تبلور عینی و علمی در فضاهای شهری به خود می‌گیرد. همچنین بررسی برروی روند تغییرات کار کردی و کالبدی بافت قدیم باعث ایجاد یک برنامه‌ریزی هماهنگ و منسجم شهری خواهد شد که می‌توان از طریق آینده‌نگری با هدف، از وضع موجود به وضعیت مطلوب، گام برداشت (نظریان و مشکینی، ۱۳۸۵: ۲۷).

تغییر در شیوه زندگی شهری بعد از اصلاحات ارضی مشکلاتی را در بافت‌های شهری به وجود آورد که در شهر مراغه این مشکلات کاملاً قابل لمس است. در اثر تحولات اخیر ملی و منطقه‌ای (یکی انجام اصلاحات ارضی و دیگری وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷) و افزایش رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت‌های روستا شهری، این شهر با کمبود واحد مسکونی استاندارد و حاشیه‌نشینی مواجه شده است. بافت فرسوده و ناکارآمد شهر مراغه در مجاورت ابنیه‌ی تاریخی و نیز هسته اولیه شهر با مساحت حدود ۱۸۸/۹ هکتار قرار گرفته است. با توجه به ویژگی‌های خاص بافت فرسوده شهر می‌توان گفت که این بافت با مشکلات عدیده‌ای همچون وجود کوچه‌های تنگ و باریک و پر پیچ و خم، عدم وجود

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

دسترسی‌های لازم، مشکلات خدمات‌رسانی، استحکام کم و فرسودگی ساختمان‌ها، اختلاط کاربری‌های تجاری و مسکونی در قسمت‌های مرکزی بافت و کاربری‌های صرفاً مسکونی در قسمت‌های شمالی آن، عدم دسترسی ساکنان قسمت‌های جنوبی بافت به حداقل امکانات زیربنایی و برخورد لحظه‌ای و روزمره با این مشکلات بدون توجه به نیازهای واقعی خود بافت و ساکنان آن موجب تشدید تعارض بین دو بافت قدیمی و جدید و افزایش مشکلات بافت فرسوده شده است که مسائل اجتماعی زیادی را به وجود آورده است (محمدی، ۱۳۹۵: ۴). از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی تاثیر بافت ناکارآمد شهر مراغه بر وقوع آسیب‌های اجتماعی در این شهر می‌باشد.

نظریات بهسازی و بازآفرینی بافت‌های کهن و قدیمی شهرها، گاه به طور صریح و گاه به طور ضمنی در تفکرات برخی اندیشمندان نظیر وژن ویوله لودوک[1] (۱۸۱۴-۱۸۷۹) جان‌راسکین[2] (۱۸۱۸-۱۹۰۰)، کاملیو بویی‌تو[3] (۱۸۳۶-۱۹۱۴)، فردریش انگلس[4] (۱۸۲-۱۸۹۵)، امیل زولا[5] (۱۸۴-۱۹۲۰)، کامیلو سیته (۱۸۴۳-۱۹۰۳)، لوکوبوزیه[6] (۱۸۸۷-۱۹۶۵)، ابنزرهاوارد[7] (۱۸۵-۱۹۲۸)، لوئیزممفورد[8] (۱۸۹۵-۱۹۹۰)، جین جکوبز[9] (۱۹۱۶-۲۰۰۶)، کوین لینچ[10] (۱۹۱۸-۱۹۸۴)، کریستوفر الکساندر[11] (۱۹۳۶)، ریچارد راجرز و برخی دیگر ارائه شده است. از منشور آتن[12] (۱۹۳۳)، تا منشور آمستردام[13] (۱۹۷۵) بیش از چهار دهه طول کشید تا کشورهای توسعه یافته از پرداختن به تک بنا غافل شوند و به مداخله در مراکز ارزشمند قدیمی و تاریخی با هدف تجدید حیات (بازآفرینی) و روان بخشی آنها بیاندیشند (رمضان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۴). در این فاصله، قانون آندره مالرو[14] (۱۹۶۲) در جلوگیری از تخریب بافت‌های قدیمی در فرانسه، تجربه‌ی انگلستان از پنج شهر تاریخی و تعمیم نتایج آن به منظور دستیابی به معیارهای بهسازی و مرمت شهری بولونیا (ایتالیا -۱۹۷۵) در دقیق‌سازی مفاهیم این عرصه‌ی حساس تأثیر اساسی داشته است. اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های بهسازی و بازآفرینی در مراکز شهرها و بافت‌های تاریخی و قدیمی به چند دهه‌ی اخیر محدود نمی‌شود (فخری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۸).

الکساندر تامسون[15]، در سال ۱۸۶۸ پیشنهاد اسکان ۱۰ هزار نفر خانواده‌ی کارگری را در بافت شطرنجی فشرده‌ی مرکز گلاسکو مطرح ساخت. وی معتقد بود که تراکم زیاد برای احیاء واحدهای تجاری و فضاهای عمومی و بازیابی ارزش اقتصادی املاک مرکز شهری حیاتی است. طرح پیشنهادی تامسون یکی از نخستین بیانیه‌های بازآفرینی و نوزایی شهری محسوب می‌شود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۶). کامیلوسیته[16] (۱۹۰۳-۱۸۴۳)، خواستار ساماندهی فضاهای شهری بود و درصدد زنده کردن بافت‌های کهن شهری برآمد و راه حل‌های تزئینی شهری را عنوان کرد. وی اعتقاد داشت نباید میراث و یادگارهای گذشته را با ویژگی والایی که داشته‌اند به سادگی رها کرد، بلکه باید از آنها الهام گرفت و مبانی آن را شناخت (زنگی آبادی و مویدفر، ۱۳۹۱: ۲۹۹). لئوناردو بنه ولو[17] (۱۹۳۳)، بر همجواری محوطه‌ی تاریخی و بافت‌های پیرامونی، با حفظ تفاوت در کالبد و عملکرد تأکید می‌ورزد. همچنین به

[1] Eugene Viollet-Ie- Duc
[2] John Ruskin
[3] Camillo Boito
[4] Friedrich Engels
[5] Emile Zola
[6] Le Corbusier
[7] Ebenezer Howard
[8] Lewis Mumford
[9] Jane Jacobs
[10] Kevin Lynch
[11] Christopher Alexander
[12] Athens Charter
[13] Amsterdam
[14] Andre Malraux
[15] Alexander Thomson
[16] Camillo Sitte
[17] Leonardo Benevolo

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

اهمیت بهبود شرایط زیست ساکنان بافت‌های شهری مجاور آثار تاریخی می‌پردازد (پورجعفر، ۱۳۸۸: ۱۵). جین جکوبز[1] (۱۹۶۱)، در زمینه‌ی بافت‌های فرسوده و قدیمی و در اصطلاح وی "بافت‌های مسئله‌دار مزمن" به اصل روابط انسانی همسایگی و موضوع خودترمیمی و مشارکت مردم در امر بهسازی و بازآفرینی تأکید داشت (زینل‌زاده و جاهد قدمی، ۱۳۹۵: ۶۳). همچنین پژوهش های بسیار دیگری در قالب مقالات، کتب، پایان نامه‌ها و غیره صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد: کلنتیو و دیکسون[2] (۲۰۱۱) در پژوهشی سیر تکاملی بازآفرینی را از توسعه کالبدی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ میلادی و سپس دوره رفاه اجتماعی در دهه ۶۰ میلادی، تسلط دیدگاه‌های اقتصادی بر توسعه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، ملاحظه نموده و آنگاه تا مقوله مشارکت اجتماعات محلی پیش می‌رود و تجلی آن را در دهه آغازین قرن حاضر میلادی در مکان‌های پایداره که نقطه ثقل پایداری اجتماعی است، لحاظ می‌کند (کلنتیو و دیکسون، ۲۰۱۱). مک‌کارتی[3] کتابی تحت عنوان "مشارکت، برنامه‌ریزی مشارکتی، بازآفرینی شهری" را در سال ۲۰۱۴ منتشر کرد. وی در فصل هشتم کتاب روش‌های جامع بازآفرینی در داندی را مورد بررسی قرار داد. تاکید مک کارتی در این کتاب بر مشارکت مردمی در فرآیند باز آفرینی بوده است. او در نهایت ارزیابی می‌کند که تا چه اندازه روش‌های جامع بازآفرینی به عنوان یک راه حل پایدار برای ریشه‌کن‌سازی مسائل و مشکلات شهری مناسب است (مک‌کارتی، ۲۰۱۴). ادوارد[4] (۲۰۱۴) مقاله‌ای با عنوان "تجربه بازسازی شهری در برزیل: حفاظت تاریخی، توسعه صنعت گردشگری و نوسازی در سالوادوردا باهیا" ارائه داد. وی هدف خود را از انجام این پژوهش، تحلیل فرآیند باز آفرینی با توجه پیامدهای آن در چارچوب طراحی شهری بیان کرد. ادواردو در انتها به این نتیجه رسید که برای رسیدن به یک بازآفرینی شهری بهتر و متوازن در مناطق برزیل، مقامات دولتی و شرکت‌های خصوصی باید به زمینه مداخله توجه کنند و جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن و همچنین شرایط فرهنگی و نیازهای واقعی مردم را در نظر بگیرند (ادوارد، ۲۰۱۴). دیاز اورتا[5] (۲۰۱۵)، در پژوهش خود باز آفرینی شهری را از طریق بسیج اجتماعی، در شهر مادرید مورد بررسی قرار داده و معتقد است در این شهر سیاست‌هایی که در رابطه با کالبد و اقتصاد اتخاذ می‌شود فضای اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار داده و تفکیک کرده است چرا که سیاست‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی وغیره متقابلاً بر هم تأثیرگذار هستند (اورتا، ۲۰۱۵). الکساندرسکو[6] (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «شناسایی ارتباطات پایداری در بازآفرینی شهری: ادغام ویژگی‌های فردی و رابطه‌ای» به مفهوم‌سازی پایداری در بازآفرینی شهری به عنوان یک عمل ارتباطی در شبکه‌های بازیگران اجتماعی پرداخته است (الکساندرسکو، ۲۰۱۶).

لیدگارد[7] (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان «تقویت و برنامه‌ریزی بازسازی شهری: اداره مناطق شهری در کپنهاگ» بیان می‌دارد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری تلاش می‌کنند تا فرمول مناسبی را برای اجرای فرایندهای بازآفرینی شهری بر اساس دارایی‌های فرهنگی پیدا کنند. وی در این مقاله با تطبیق مشخصات و شرایط احتمالی متصل به یک منطقه خاص شهری با الگوی حاکمیتی که برای توسعه آن اتخاذ شده، به ادبیات مناطق فرهنگی می‌پردازد. ولفرام[8] (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی ظرفیت تحول برای بازسازی پایدار شهری: یک

[1] Jane Jacobs
[2] Colantonio & Dixon
[3] McCarthy
[4] Edward
[5] Diaz Orueta
[6] Alexandrescu
[7] Lead Guard
[8] Wolfram

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

مطالعه مقایسه‌ای از سه شهر کره جنوبی» بیان می‌کند که بازآفرینی شهری یک رویکرد اساسی برای مقابله با مشکلات پایداری در شهرها را تشکیل می‌دهد. اما در عمل، غالباً انگیزه‌هایی غیر از تغییر پایداری به وجود می‌آید (ولفرام، ۲۰۱۸). یانی‌سید[1] (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «بازآفرینی شهری و حفاظت از مناطق تاریخی در مالزی» به بررسی راهکارهای حفظ و احیاء میراث بجا مانده در شهرهای تاریخی می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد که برای احیای گذشته معتبر شهرهای تاریخی و بهبود سبک زندگی جمعیت آن، باید ابتکارات احیا شود، زیرا زنده ماندن یک میراث تنها در صورت باقی ماندن جامعه اصلی آن، قابل توجه است (یانی‌سید، ۲۰۱۸). سو و جو[2] (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان «نوآوری یا اپیزود؟ تجزیه و تحلیل چند مقیاس از تغییر دولت در سیاست‌های بازسازی شهری در کره جنوبی» با استفاده از مفهوم «سطوح حکومت» به بررسی عوامل مختلفی که در نوآوری حاکمیت در سیاست های مشارکت بازآفرینی شهری در کره جنوبی نقش داشته است، پرداخته است. در این پژوهش از طریق تجزیه و تحلیل چند مقیاس از مطالعات موردی مقایسه ای سه ناحیه در شهر دائگو، ترکیبی از عوامل مختلف در سطح محلی بررسی گردیده است که تأثیر بسزایی در نوآوری حاکمیت دارد. نتایج نشان می‌دهد که نوآوری حاکمیتی بر اساس منابع مادی و ارتباطی موجود در سایر مقیاس‌های فضایی ایجاد می‌شود و مستلزم بازسازی نهادهای چند مقیاس است. این بعد چند مقیاس درک ما را درباره آنچه تغییر دولت را ممکن می‌سازد و چگونگی وقوع آن ممکن است گسترده‌تر می‌کند (سو و جو، ۲۰۱۹). جسوس و همکاران[3] (۲۰۱۹)، در پژوهشی تحت عنوان «یک مطالعه موردی متدولوژی یکپارچه برای حمایت از برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار بازسازی شهری» یک روش یکپارچه را برای پشتیبانی از برنامه‌ریزی و مدیریت مداخلات بازسازی شهری معرفی می‌کند. این متدولوژی یک مبنای انعطاف پذیر را پیشنهاد می‌کند که می‌تواند در پروژه‌های احیا شهری از بافت‌ها و ابعاد مختلف تطبیق یابد و مراحل، ذینفعان مربوطه و تعامل تیم‌ها را در یک چارچوب یکپارچه برای برنامه‌ریزی و نظارت بر اقدامات بازآفرینی شهری به سمت پایدارتر و مداخلات انعطاف‌پذیر هدایت نماید (جسوس و همکاران، ۲۰۱۹).

در ایران نیز اصول و قوانین مرتبط با تغییرات بافت قدیم در ایران به دوره آغاز سلطنت پهلوی بر می‌گردد که در کلیات می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. ۱- سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی و قوانین مربوط به بافت قدیم در قبل از انقلاب اسلامی ۲- سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین مربوط به بافت قدیم در بعد از انقلاب اسلامی. در دوره قبل از انقلاب اسلامی، آغاز فعالیت‌های جدی مربوط به بافت‌های قدیمی و مداخلات در این بافت‌ها در دوره رضاشاه به صورت طرح‌ها و پروژه‌های نوسازی بافت‌های قدیمی و فرسوده مطرح گردید. علاوه بر آن، مقوله نوسازی بافت‌های فرسوده و قدیمی در پنج برنامه عمرانی نیز به اشکال گوناگون مورد توجه قرار گرفت (ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۴۱). بعد از انقلاب نیز به طور کلی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تهیه طرح‌های بهسازی و نوسازی شهری تحت عنوان طرح‌های بافت قدیم برای شهرهای تاریخی کشور در دستور کار قرار گرفت. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸- ۱۳۸۴)، دولت را موظف کرد که با توجه به رویکرد توسعه پایدار به منظور هویت بخشی به سیمای شهر و ممانعت از گسترش محدوده شهرها، ساماندهی و احیا بافت‌های قدیمی و فرسوده شهرها را مورد

[1] Yani Said
[2] Seu & Joo
[3] Jesus et al

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

توجه قرار دهد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳). همچنین پژوهش های گوناگونی نیز در داخل کشور در ارتباط با بازآفرینی در بافت های فرسوده و ناکارآمد صورت گرفته است که به بررسی برخی از آنها پرداخته می‌شود:

پوراحمد و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر فضاهای گذران اوقات فراغت نمونه موردی: محله قیطریه تهران» لزوم حرکت از منظرسازی صرف به سمت افزایش توجه به رویکرد گسترده تری همچون رویکرد باز آفرینی فرهنگ مبنا در بازآفرینی شهری را مطرح کرده‌اند. رضایی و عزیزی (۱۳۹۴)، در مقاله ای با عنوان «باز آفرینی بافت‌های ناکارآمد و مسئله‌دار شهری با تاکید بر توسعه پایدار شهری مطالعه موردی (محله تل‌زالی شهر یاسوج)» پرداخته و تلاش نموده تا به ارائه برنامه‌ریزی راهبردی برای نوسازی و بهسازی این بافت بپردازد (رضایی و عزیزی، ۱۳۹۴). حسن‌زاده و سلطان‌زاده (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی بر اساس سطح پایداری بافت‌های تاریخی» انجام داده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد در ارائه راهبردها و سیاست‌های مداخله ابتدا باید براساس نشانه‌های فرسودگی و زمینه‌های توسعه پویا، نوع فرسودگی را شناسایی کرد و سپس براساس تشخیص سطح پایداری به اقدامات و سیاست‌های متناسب با زمینه تاریخی پرداخت. شفیعی و صادقی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحقق‌پذیری طرح‌های باز آفرینی بافت فرسوده شهری به روش تلفیقی تحلیل شبکه‌ای - کارت امتیازی متوازن؛ نمونه موردی: بافت فرسوده زینبیه اصفهان» این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که، عوامل مؤثر در عدم توفیق اقدامات دفتر محلی زینبیه شامل روند کند اجرایی شدن ماده ۹ قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، زمان بسیار زیاد تصویب در کمیسیون موضوع ماده ۵، اعمال نشدن سیاست‌های تشویقی، عدم اختصاص تسهیلات و بودجه مورد نیاز و عدم واگذاری اختیارات لازم توسط شهرداری اصفهان به این دفتر است. روستایی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «اولویت‌بندی راهبردهای احیای بافت تاریخی شهر مراغه با تاکید بر رویکرد بازآفرینی فرهنگ‌مدار» به شناخت فرصت‌ها و تجدیدهای موجود در بافت تاریخی با رویکرد بازآفرینی، فرهنگ مبنا به استخراج راهبردها و سیاست‌های احیا پرداخته است. پوراحمد و احمدی‌فرد (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی نقش گردشگری خلاق در بازآفرینی بافت تاریخی (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران)» به شناسایی قابلیت بازآفرینی بافت تاریخی منطقه ۱۲ از طریق گردشگری خلاقانه پرداخته است. مطابق نتایج این پژوهش، نمایش‌های عروسکی، شاخص تبلیغات و شاخص نقاشی در کنار جاذبه‌های تاریخی منطقه، از مهم‌ترین عوامل و اولویت‌های صنایع فرهنگی به شمار می‌آیند که می‌توان آنها را در توسعه گردشگری خلاق منطقه با هدف نهایی بازآفرینی به کار گرفت. بررسی پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که تاکنون کمتر پژوهشی به بررسی تاثیر بافت‌های ناکارآمد شهری بر آسیب‌های اجتماعی بخصوص در شهر مراغه پرداخته است. لذا نوآوری این پژوهش ضمن بررسی تاثیر بافت‌های ناکارآمد شهری بر آسیب‌های اجتماعی، از آن جهت است که علاوه بر داده‌های حاصل از پرسشنامه، از نقشه‌های GIS نیز جهت گردآوری اطلاعات استفاده نموده است.

۲. روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات به صورت و کتابخانه ای و میدانی گردآوری شده اند. در این مطالعه، ابتدا از اطلاعات موجود در نقشه-

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

های ArcGIS و همچنین داده‌های موجود در آرشیو سازمان‌های مختلف همچون شهرداری، راه و شهرسازی و غیره، جهت رتبه‌بندی نواحی شهری براساس میزان کارآمدی بافت شهری استفاده شده است. سپس به منظور بررسی وضعیت نواحی هفتگانه شهر مراغه براساس میزان آسیب‌های اجتماعی پرسشنامه‌ای به این منظور میان ۴۰۰ نفر از شهروندان شهر مراغه توزیع گردیده و با استفاده از آزمون T-test مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است.

جدول ۱. متغیرها و گویه های مورد سنجش تحقیق

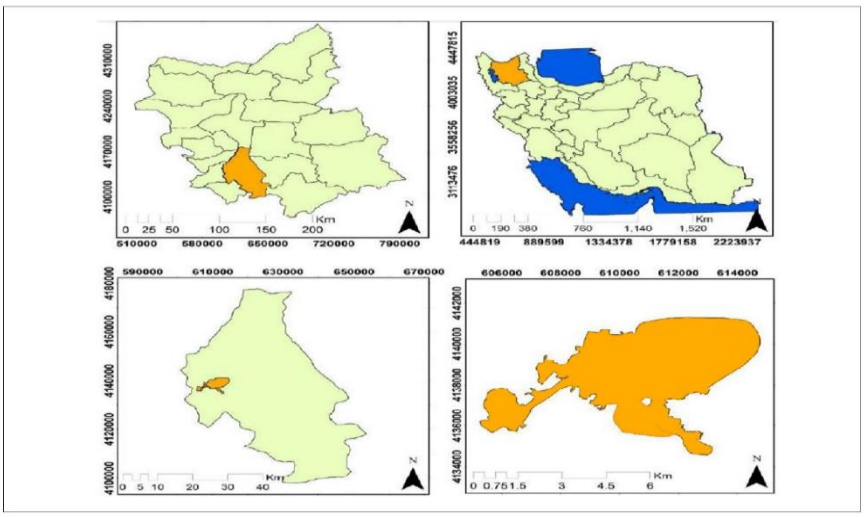
متغیر	مولفه	تعداد گویه
آسیب‌های اجتماعی	کیفیت عرصه‌های همگانی	۵
	خانواده	۴
	اقتصادی	۷
	خشونت و پرخاشگری	۶
بافت ناکارآمد شهری	کالبدی	۹
	زیست محیطی	۶
	اجتماعی	۱۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

همچین به منظور بررسی تاثیر ناکارامدی بافت های شهری بر میزان وقوع آسیب های اجتماعی، از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون خطی استفاده گردیده است. همچنین پیش از انجام آزمون نسبت به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و همچنین بررسی پایایی داده‌ها اقدام گردیده است. نتایج حاصل از آزمون آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که میزان این ضریب به ازای داده های مورد آزمون برابر با ۰/۷۱۶ بوده است که حاکی از مناسب بودن پایایی داده های تحقیق می‌باشد. همچنین برای آزمون نرمال بودن داده‌ها، از مقدار چولگی و مقدار کشیدگی داده‌ها جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده شده است که مقادیر مربوط به آنها در بازه ۲+ تا ۲- قرار داشته است.

۲. ۱. محدوده جغرافیایی مورد مطالعه

شهر مراغه یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است. این شهر در زمان استیلای مغول‌ها، هلاکوخان مراغه را به عنوان پایتخت کشور ایران انتخاب کرد. همچنین این شهر دومین شهر بزرگ استان آذربایجان شرقی و مرکز اداری شهرستان مراغه است. این شهر در کنار رودخانه صوفی چای در دامنه جنوبی کوه سهند و در ۱۳۵ کیلومتری جنوب غربی استان و در ارتفاع ۱۳۹۰ متر از سطح دریا واقع شده است. مراغه همچنین دومین کهن شهر آذربایجان بعد از ارومیه است. جمعیت شهر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ معادل ۱۷۵۲۵۵ نفر می‌باشد و بعد از تبریز دومین شهر بزرگ استان آذربایجان شرقی محسوب می‌شود. هم اکنون این شهر دارای ۲۶ محله و ۷ ناحیه می‌باشد (مهندسین مشاور نقش محیط، ۱۳۸۵: ۳۰).



شکل ۱. محدوده جغرافیایی مورد مطالعه، منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

۳. یافته‌های تحقیق

سطح‌بندی نواحی هفتگانه شهر مراغه بر اساس میزان کارآمدی بافت های شهری

در این پژوهش به منظور رتبه بندی نواحی هفتگانه شهر مراغه بر اساس شاخص های کارآمدی بافت شهری، از شاخص ویکور استفاده شده است. برای ارزیابی نواحی در این تحقیق از مقادیر کمی شاخص‌ها با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شده است. به جهت رتبه‌بندی با استفاده از روش ویکور ابتدا با توجه به ضریب اهمیت معیارها در تصمیم‌گیری بردار وزن تعریف می‌شود. در این تحقیق به منظور محاسبه وزن عامل‌ها، از روش آنتروپی استفاده گردیده است. معیارهای مورد بررسی در این تحقیق شامل ترکیب کاربری (به معنی نسبت مجموع مساحت کاربری‌های غیر مسکونی به کاربری مسکونی)، تراکم جمعیتی، تعداد طبقات، قدمت بنا و کیفیت بنا بوده است. بر این اساس اقدام به تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری گردیده است. با توجه به اینکه معیارهای مورد استفاده در این پژوهش، دارای واحد های متفاوتی می‌باشند، لذا نیازمند نرمال‌سازی داده‌ها می‌باشد. بدین منظور از رابطه زیر جهت نرمال‌سازی داده‌ها استفاده می‌گردد:

$$r_{ij}=\frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^{m} x_{ij}^2}}$$

پس از آنها با تهیه ماتریس نرمال شده وزین و نیز تعیین نقطه ایده آل مثبت و منفی و همچنین تعیین سودمندی و تاسف، اقدام به محاسبه شاخص ویکور برای هر یک از نواحی گردیده است که نتایج آن در جدول ۲ ذکر گردیده است.

جدول ۱. ماتریس تصمیم گیری در روش ویکور

ماتریس	ترکیب کاربری	تراکم جمعیتی	تعداد طبقات	عمر بنا	کیفیت بنا
ناحیه ۱	۳۷/۸۶	۱۲۷/۹۲	۱/۵۳	۲/۱۸	۱/۸۲
ناحیه ۲	۱۸/۵۱	۶۷/۸۵	۱/۶۴	۲/۱۲	۱/۸۱
ناحیه ۳	۳۲/۴۶	۵۰/۴۳	۱/۴۸	۱/۸۸	۱/۶۳
ناحیه ۴	۵۱/۵۵	۱۵۴/۱۴	۱/۰۸	۲/۵۰	۲/۰۴
ناحیه ۵	۲۶/۰۱	۱۴۸۸/۵۶	۱/۱۱	۳/۰۸	۲/۳۵
ناحیه ۶	۱۸/۲۶	۹۵۰/۹۷	۱/۲	۳/۲۳	۲/۳۷
ناحیه ۷	۵۳/۷۹	۲۴۵/۷۸	۱/۳۶	۲/۱۷	۱/۸۸
وزن معیار	۰/۱۴۶	۰/۷۸۱	۰/۰۲۱	۰/۰۳۴	۰/۰۱۶

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

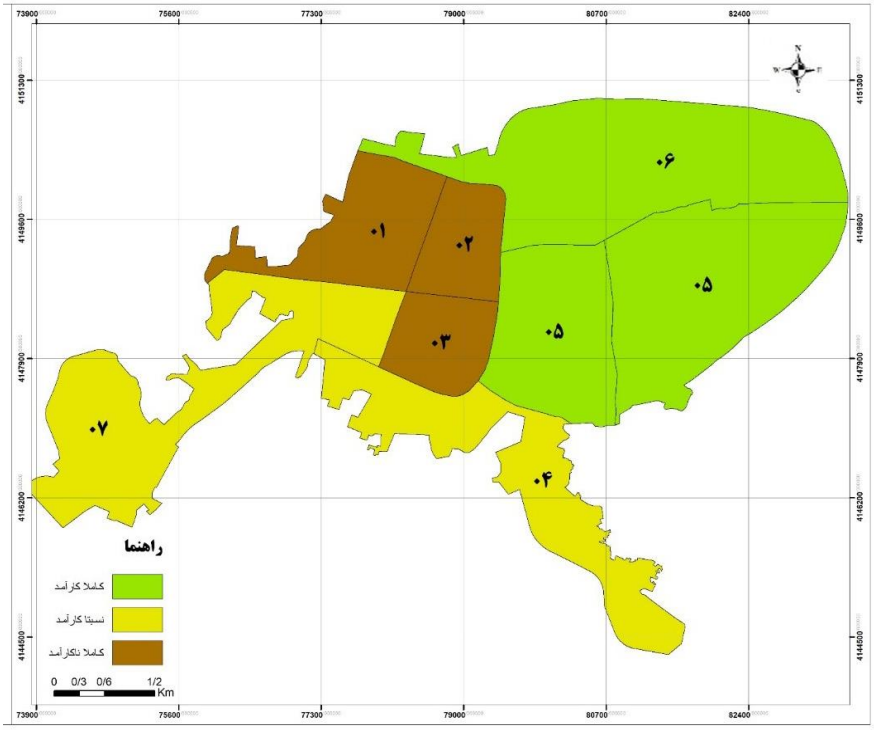
جدول ۲. محاسبه شاخص ویکور و رتبه بندی نواحی هفتگانه شهر مراغه

ردیف	نتیجه	شاخص ویکور
۱	ناحیه ۵	۰
۲	ناحیه ۶	۰/۳۲۵۶
۳	ناحیه ۷	۰/۷۷۷۶
۴	ناحیه ۴	۰/۸۵۰۱
۵	ناحیه ۱	۰/۹۰۱۴
۶	ناحیه ۳	۰/۹۸۰۵
۷	ناحیه ۲	۰/۹۹۲۹

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

با توجه به نتایج حاصل از آزمون ویکور، مشخص گردید که نواحی ۵ و ۶ به عنوان نواحی کاملاً کارآمد، نواحی ۷ و ۴ به عنوان نواحی نسبتاً کارآمد و نواحی ۱، ۳ و ۲ نیز به عنوان نواحی کاملاً ناکارآمد تعیین گردیده اند. نقشه ۲. این نتایج را نشان می‌دهد.



شکل ۲. وضعیت کارآمدی نواحی هفتگانه شهر مراغه، منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

سنجش وضعیت آسیب های اجتماعی شهر مراغه

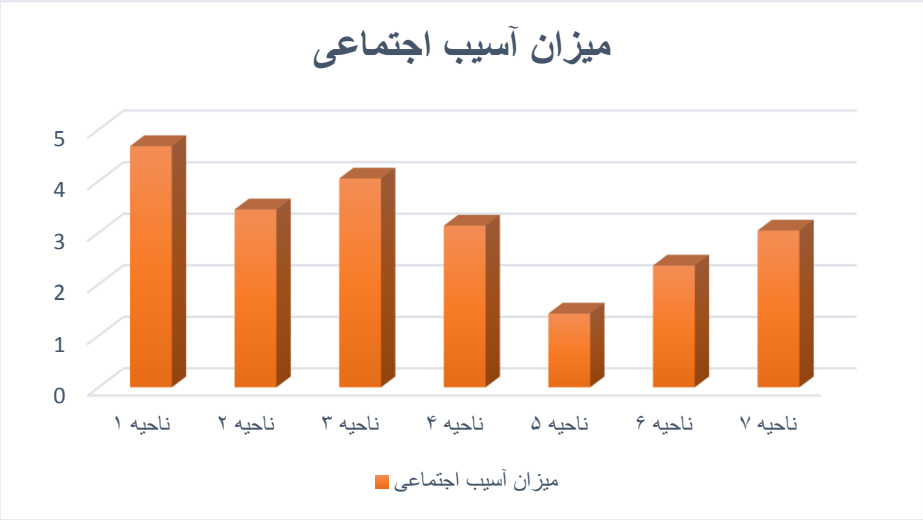
به منظور ارزیابی و سنجش وضعیت آسیب های اجتماعی شهر مراغه به تفکیک نواحی هفت گانه، از آزمون T-test تک نمونه ای استفاده گردیده است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون T-test در خصوص سنجش وضعیت آسیب های اجتماعی در نواحی هفتگانه شهر مراغه، مشاهده می‌شود که ضریب معناداری (sig) به ازای تمامی نواحی مورد مطالعه کمتر از ۰/۰۵ بوده و همچنین آماره t نیز برای نواحی مذکور خارج از مقدار بحرانی ۱/۹۶ ± می‌باشد. بنابراین می‌توان بیان داشت که نتایج حاصل از آزمون مذکور معنادار می‌باشد. در ارتباط با وضعیت نواحی مورد مطالعه در زمینه وقوع آسیب های اجتماعی، بر اساس جدول ۳ مشاهده می‌گردد که ناحیه ۱ با اختلاف میانگین ۱/۶۷۷ و آماره آزمون ۶۵/۹۰۶ دارای بیشترین میزان وضوع آسیب اجتماعی می‌باشد. پس از آن نیز به ترتیب نواحی ۳ با اختلاف میانگین ۱/۰۵۵ و آماره آزمون ۴۳/۳۰۷، ناحیه ۲ با اختلاف میانگین ۰/۴۵۰ و آماره آزمون ۱۶/۷۶۴، ناحیه ۴ با اخلاف میانگین ۰/۱۳۵ و آماره آزمون ۵/۳۷۴ و ناحیه ۷ با اختلاف میانگین ۰/۰۴۷ و آماره آزمون ۲/۱۷۵ دارای آسیب های اجتماعی بیشتر از مقدار متوسط می‌باشد. پس از آن نیز ناحیه ۶ با اختلاف میانگین ۰/۶۴۷- و آماره آزمون ۳۰/۴۲۲- و سپس ناحیه ۵ با اختلاف میانگین ۱/۵۷۷- و آماره آزمون ۵۴/۱۲۰- دارای میزان وقوع آسیب اجتماعی کمتر از مقدار متوسط می‌باشد. شکل (۳) نیز این نتایج را به تصویر می کشد.

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

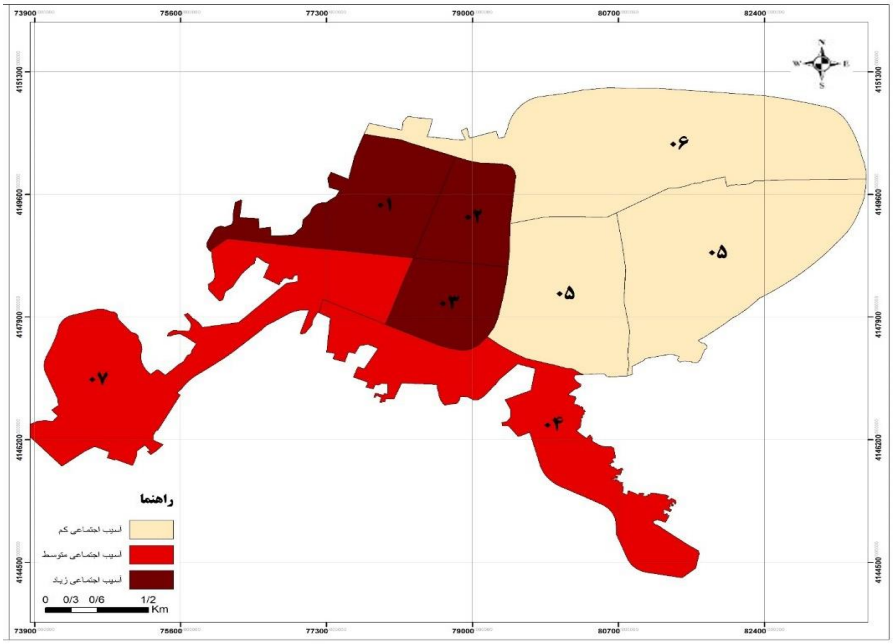
جدول ۳. مقادیر آزمون t-test جهت سنجش وضعیت شهر مراغه بر اساس آسیب های اجتماعی

نام ناحیه	آماره t	درجه آزادی	ضریب معناداری	اختلاف میانگین	کران پایین	کران بالا
ناحیه ۱	۶۵/۹۰۶	۳۹۹	۰/۰۰۰	۱/۶۷۷۵۰	۱/۶۲۷۵	۱/۷۲۷۵
ناحیه ۲	۱۶/۷۶۴	۳۹۹	۰/۰۰۰	۰/۴۵۰۰۰	۰/۳۹۷۲	۰/۵۰۲۸
ناحیه ۳	۴۳/۳۰۷	۳۹۹	۰/۰۰۰	۱/۰۵۵۸۳	۱/۰۰۷۹	۱/۱۰۳۸
ناحیه ۴	۵/۳۷۴	۳۹۹	۰/۰۰۰	۰/۱۳۵۰۰	۰/۰۸۵۶	۰/۱۸۴۴
ناحیه ۵	-۵۴/۱۲۰	۳۹۹	۰/۰۰۰	-۱/۵۷۷۵۰	-۱/۶۳۴۸	-۱/۵۲۰۲
ناحیه ۶	-۳۰/۴۲۲	۳۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۶۴۷۵۰	-۰/۶۸۹۳	-۰/۶۰۵۷
ناحیه ۷	۲/۱۷۵	۳۹۹	۰/۰۳۰	۰/۰۴۷۵۰	۰/۰۰۴۶	۰/۰۹۰۴

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹



شکل ۳. میزان وقوع آسیب های اجتماعی در نواحی هفتگانه شهر مراغه، منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹



شکل ۴. وضعیت آسیب های اجتماعی در نواحی هفتگانه شهر مراغه، منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

بررسی تاثیر بافت های ناکارآمد شهری بر میزان وقوع آسیب های اجتماعی

به جهت بررسی تاثیر میان بافت های ناکارآمد شهری و میزان وقوع آسیب های اجتماعی در نواحی هفتگانه شهر مراغه، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و همچنین رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر این است که، در سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰)، متغیر ناکارآمدی بافت شهری و آسیب اجتماعی به میزان (r=۰/۵۷۹) با هم رابطه دارند؛ و می‌توان اینگونه تحلیل نمود که شدت همبستگی رابطه بین دو متغیر برابر ۰/۵۷۹ می‌باشد، همچنین نوع همبستگی در بین دو متغیر مذکور، از نوع مستقیم (مثبت) بوده است. چون میزان سطح معناداری محاسبه شده نیز کمتر از آلفای پژوهش ۰/۰۵ است، بیانگر معنادار بودن رابطه بین دو متغیر مذکور است، در نتیجه مطابق با این نتایج می‌توان گفت بین میزان ناکارآمدی بافت شهری و آسیب های اجتماعی در نواحی هفتگانه شهر مراغه ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۴. آزمون ضریب همبستگی پیرسون جهت سنجش ارتباط بین متغیر های تحقیق

		آسیب اجتماعی	ناکارآمدی بافت شهری
آسیب اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۵۷۹
	ضریب معناداری		۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰
ناکارآمدی بافت شهری	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۷۹	۱
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

همچنین علاوه بر آزمون همبستگی پیرسون، از آزمون رگرسیون خطی نیز استفاده گردیده است. بر این اساس جدول ۵ نتایج حاصل از سنجش تاثیر متغیر ناکارآمدی بافت شهری بر آسیب های اجتماعی شهر مراغه را به کمک آزمون رگرسیون خطی نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون رگرسیون خطی

مدل		ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره t	خطای آزمون
		مقدار بتا	خطای استاندارد	مقدار بتا		
۱	مقدار ثابت	۲/۰۴۴	۰/۱۱۳		۱۸/۰۱۷	۰/۰۰۰
	ناکارآمدی بافت شهری	۰/۳۲۳	۰/۰۳۲	۰/۵۷۹	۹/۹۹۴	۰/۰۰۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

از آنجایی که ضریب همبستگی (R=۰/۵۷۹) و ضریب تعیین (R Square=۰/۳۲۳) محاسبه شده است، به نظر می‌رسد که مدل رگرسیونی مناسب است. همچنین در گزارش مربوط به ANOVA با توجه به مقدار F و Sig مجدداً می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مناسب می‌باشد و در نهایت با توجه به آماره t برای متغیر ناکارآمدی بافت شهری، می‌توان اظهار داشت که متغیر ناکارآمدی بافت شهری بر آسیب های اجتماعی شهر مراغه اثر گذار می‌باشد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر ناکارآمدی بافت-های شهری بر میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی در شهر مراغه صورت پذیرفت. در ابتدا به منظور سطح‌بندی نواحی شهری مراغه براساس میزان کارآمدی بافت شهری از

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

شاخص ویکور استفاده گردید. نتایج حاصل از شاخص نشان داد که نواحی ۵ و ۶ به عنوان نواحی کاملاً کارآمد، نواحی ۷ و ۴ به عنوان نواحی نسبتاً کارآمد و نواحی ۱، ۳ و ۲ نیز به عنوان نواحی کاملاً ناکارآمد تعیین گردیده‌اند. درواقع می‌توان بیان داشت که نواحی مرکزی شهر عمدتاً دارای بافت کاملاً ناکارآمد بوده و نواحی شمالی و شمال شرقی دارای بافتی کارآمد و نواحی جنوبی و غربی دارای بافت نسبتاً کارآمد می‌باشد.

همچنین سنجش وضعیت آسیب‌های اجتماعی در شهر مراغه نشان داد که ناحیه ۱ دارای بیشترین میزان وقوع آسیب های اجتماعی در این شهر می‌باشد. پس از آن نیز به ترتیب نواحی ۳، ۲، ۴، ۷، ۶ و ۵ بیشترین میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی را شاهد بوده‌اند. تحلیل مکانی این شاخص نیز نشان می‌دهد که در نواحی مرکزی شهر بیشترین میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی صورت گرفته است که کاملاً منطبق بر بافت‌های ناکارآمد شهری در این نواحی می‌باشد. اینم نتایج با یافته‌های حسن‌زاده و سلطان‌زاده (۱۳۹۵)، روستایی و همکاران (۱۳۹۶)، پوراحمد و احمدی‌فرد (۱۳۹۷) و پوراحمد و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

در پایان نیز نتایج آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی نشان داد که بین نارکارآمدی بافت‌های شهری و وقوع آسیب‌های اجتماعی در سطح شهرها ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که انتخاب مناطق فرسوده شهری برای اسکان مهاجران و اقشار کم درآمد شهر، نشان از افزایش مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد که این امر تهدیدی برای شهر محسوب می شود و مناطق و بافت های ناکارآمد به رغم آنکه روزگاری بخش مهمی از هویت شهرها را تشکیل می‌دادند و دارای ریشه‌های سکونتی ارزشمند با غنای فرهنگی، اجتماعی و معماری فراوانی بودند، به تدریج به مناطقی ناامن و مخروبه تبدیل می‌شوند و هویت شهر را دچار مشکل می‌کنند. این محلات و بافت‌ها از یک سود به جهت فرسودگی شدید و نبود دسترسی مناسب به خدمات شهری و بهداشتی و از طرف دیگر وجود مشکلات فرهنگی و امنیتی و نیز عدم تطابق با زندگی امروز شهری و شهرسازی مدرن دارای مشکلات روبنایی و زیرساختی فراوان به ویژه در زمینه هنجارهای اجتماعی هستند. بنابراین شناسایی ابعاد همه‌جانبه و آسیب‌شناسی بافت‌های ناکارآمد شهری، لازمه هرگونه طراحی و برنامه-ریزی در راستای نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده می-باشد که این خود موجب تحقق و اجرای موفق شهرهای نوسازی و کاهش سرعت فرسودگی خواهد شد. به عبارت دیگر شناخت آسیب‌ها و مشکلاتی که بافت‌های فرسوده برای ساکنین خود و به تبع آن برای کل شهر، به بار می-آورند، به اولویت‌بندی و نیازسنجی این بافت‌ها توسط مدیران و برنامه‌ریزی شهری در راستای طرح‌های کوتاه مدت و بلند مدت نوسازی و تامین نیازهای ضروری ساکنین آنها منجر می‌شود.

تقدیر و سپاسگزاری

بنا به اظهار نویسنده مسئول، پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رباب ملکی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران می‌باشد و فاقد حامی مالی است.

فهرست منابع

احمدآبادی، زهره و صالحی‌هیکویی، مریم، احمدآبادی، علی (۱۳۸۶). رابطه مکان و جرم: مطالعه آسیب شناسی گیم نت های شهر تهران ، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال هفتم، شماره ۲۷. صص ۲۵۷-۲۵۳.

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

ایزدی، آرزو؛ ناسخیان، شهریار و محمدی، محمود (۱۳۹۷). تبیین چارچوب مفهومی بازآفرینی پایدار بافت‌های تاریخی (بررسی اسناد، بیانه‌ها و منشورهای بازآفرینی)، ***فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی پارسه***، شماره ۶، سال دوم، صص ۱۶۱-۱۷۷.

ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۹). بازآفرینی شهری کنش و بینشی جامع و یکپارچه در ساماندهی محدوده‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری، ***فصلنامه هفت شهر***، شماره ۳۳، صص ۷۴-۸۰.

پروین، ستار؛ کلانتری، عبدالحسین؛ صفری، محمدرحیم و مرادی، علیرضا (۱۳۹۲). مهاجرت درون شهری و امکان شکل‌گیری آسیب-های اجتماعی (مطالعه موردی: محله دروازه غار)، ***فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی***، شماره ۳۵، صص ۱۰۷-۱۳۰.

پور احمد، احمد؛ حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت-های فرسوده شهری، ***مطالعات شهر ایرانی اسلامی***، دوره اول، شماره اول، صص ۷۳-۹۳.

پور احمد، احمد؛ کلانتری، محسن؛ ابدالی، یعقوب و الله‌قلی‌پور، سارا (۱۳۹۷). تحلیل فضایی کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهر تهران)، ***پژوهشنامه جغرافیای انتظامی***، سال ششم، شماره بیست و یکم، صص ۱-۳۰.

پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸). ***مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها***، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام.

پوراحمد، احمد و احمدی‌فر، نرگس (۱۳۹۷). بررسی نقش گردشگری خلاق در بازآفرینی بافت تاریخی (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران)، ***پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری***، دوره ۶، شماره ۱، صص ۷۵-۹۰.

پوراحمد، احمد؛ رهنمایی، محمدتقی و کلانتری، محسن (۱۳۸۲). بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، ***فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی***، سال ۳۵، شماره ۴۴. صص ۹۸-۸۱.

پوراحمد، احمد؛ زیاری، کرامت‌الله و حسینی، علی (۱۳۹۳). بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تاکید بر فضاهای گذران اوقات فراغت (نمونه موردی: محله قیطریه، تهران)، ***فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا***، دوره ۱۹، شماره ۳، صص ۱-۳۸.

پورافکاری، نصراله؛ بایرام‌نژاد، حوریه؛ رضائی امینلوئی، حسین و معیری، سولماز (۱۳۹۳). سنجش میزان گرایش جوانان ۱۵ تا ۳۵ ساله به اعتیاد از نوع الکل (آزمون تجربی نظریه پیوند افتراقی برگس و ایکرز)، ***فصلنامه علمی تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر***، سال هشتم، شماره سوم، صص ۱۲۳-۱۴۸.

تاک و تیدل (۱۳۸۰). ***امن‌سازی مراکز شهرها؛ تجربه کاونزی و ناتینگهام***، ترجمه علی عربی دانا، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.

حاتمی‌نژاد، حسین؛ حاتمی‌نژاد؛ حجت؛ فارابی‌اصل؛ نیر؛ ثابت کوشکی‌نیان، مجتبی و فوادی، فاطمه (۱۳۹۱). تحلیلی جغرافیایی پیرامون اثرگذاری کالبد مناطق شهری بر ایجاد جرم (نمونه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی مشهد)، ***فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای***، سال دوم، شماره ۷، صص ۶۵-۷۵.

حسن‌زاده، مهرنوش و سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۵). طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی براساس سطح پایداری بافت‌های تاریخی، ***مطالعات شهر ایرانی اسلامی***، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۱۹-۲۹.

حیدری سورشجانی، رسول؛ غلامی، یونس و موسوی، مهدی (۱۳۹۶ الف). بررسی تاثیرات فقر شهری بر ساختار فضایی - کالبدی بافت قدیمی شهرها (مطالعه موردی: محلات سلطان میراحمد و درب اصفهان شهر کاشان)، ***دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری***، سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۱۱، صص ۴۷-۶۷.

رضایی، کاظم و عزیزی، عبدالکریم (۱۳۹۴). باز آفرینی بافت‌های ناکارآمد و مسئله‌دار شهری با تاکید بر توسعه پایدار شهری مطالعه-موردی (محله تل‌زالی شهر یاسوج)، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی، تهران، ایران.

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

رمضان‌زاده، حبیب‌الله؛ اسم خانی، ایدا؛ رضائی مهوار، صبا؛ خدایی معصوم‌آباد، شیوا و قادی، سعیده (۱۳۹۷). بازآفرینی شهر در بافت-های فرسوده شهری (نمونه موردی: ناحیه ۱ شهرستان سمنان)، ***مجله تخصصی ایوان چهارسو***، شماره دوم، صص ۱-۱۳.

روستایی، شهریور؛ ناصری، رقیه و پاشایی، سعید (۱۳۹۶). اولویت‌بندی راهبردهای احیای بافت تاریخی شهر مراغه با تأکید بر رویکرد بازآفرینی فرهنگ مدار، فصلنامه گردشگری شهری، دوره ۴، شماره ۳، صص ۷۷-۹۴.

زنگی آبادی، علی و مویدفر، سعیده (۱۳۹۱). رویکرد بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده: برزن شش بادگیری شهر یزد، ***معماری و شهرسازی آرمان شهر***، شماره ۹، صص ۲۹۷-۳۱۴.

زیاری، کرامت‌الله؛ حیدری، اصغر؛ نجفی، اسماعیل و محمدی، پیمان (۱۳۹۵). ارزیابی مولفه‌های نسل اول CPTED در پیشگیری از جرم (مورد مطالعه: محله دستغیب تهران)، ***پژوهشنامه جغرافیای انتظامی***، سال چهارم، شماره پانزدهم، صص ۱-۲۸.

زینل‌زاده، ستاره و جاهد قدمی، محمد (۱۳۹۵). تبیین و اولویت‌سنجی ابعاد تاثیرگذار جهت تحقق نوسازی مشارکتی در بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: محله شهید خوب بخت تهران)، ***باغ نظر***، سال سیزدهم، شماره ۴۳، صص ۴۱-۷۶.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

سجادیان، ناهید؛ شجاعیان، علی و کشتکار، لیلا (۱۳۹۴). بررسی تاثیر نوع و میزان کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری (مطالعه موردی: محله کمپلو در شهر اهواز)، ***دو فصلنامه پژوهش‌های بوم شناختی شهری***، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۷۳-۹۲.

شفیعی دستجردی، مسعود و صادقی، نگین (۱۳۹۶). بررسی تحقق‌پذیری طرح‌های بازآفرینی بافت فرسوده شهری به روش تلفیقی تحلیل شبکه‌ای- کارت امتیازی متوازن ؛ نمونه موردی : بافت فرسوده زینبیه اصفهان، ***باغ نظر***، سال چهاردهم، شماره ۴۶، صص ۴-۱۵.

شکوهی، علی (۱۳۸۸). تحلیل مسائل بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از نقشه‌های فازی، سومین همایش منطقه‌ای بررسی مسائل شهرسازی زنجان.

عبدالهی، مریم (۱۳۸۵). پیشگیری از جرم از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری (مورد مطالعه: سرقت در شهر زنجان)، پایان نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه زنجان.

فخری، سحر؛ صحی‌زاده، مهشید و نیلی، حمیدرضا (۱۳۹۳). راهبرد بازآفرینی شهری با تکیه بر توسعه درونی در بهبود ساختار کالبدی - محتوایی مناطق متروک شهری (نمونه مطالعاتی: محدوده سایت کارخانه سیلو کرمانشاه)، ***مطالعات محیطی هفت حصار***، شماره دهم، سال سوم، صص ۳۷-۴۶.

فیروزی، محمدعلی و مدانلوجویباری، مسعود (۱۳۹۶). واکاوی آسیب‌های اجتماعی در محلات فرسوده شهری (نمونه موردی: منطقه سه شهر ساری)، ***مجله آمایش جغرافیایی فضا***، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، صص ۴۷-۶۰.

محمدی، هادی (۱۳۹۵). ارزیابی پایداری پهنه‌های ناکارآمد شهر مراغه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور مرکز تهران.

نظریان، اصغر و مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۵). بررسی روند تغییرات کالبدی و کارکردی بافت قدیم شهر تهران با تاکید بر ناحیه ۴ منطقه ۱۱، ***فصلنامه جغرافیایی سرزمین***، شماره ۱۲، صص ۲۶-۴۷.

Alexandrescu, F. M., Pizzol, L., Zabeo, A., Rizzo, E., Giubilato, E., & Critto, A. (2016). Identifying sustainability communicators in urban regeneration: Integrating individual and relational attributes. ***Journal of Cleaner Production***, 173, 278-291 .

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

Aliber, M. (2003). Chronic poverty in south Africa: incidence, causes and policies. ***Journal of World Development***, (3), 31, 473-490.

Berk bak & et al (2010). Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990–2009. ***Habitat International***, 32: 86–108.

Chiu. Y.H, Lee. M.S, Wang. J.W (2019). Culture-led urban regeneration strategy: An evaluation of the management strategies and performance of urban regeneration stations in Taipei City, ***Habitat International,*** Volume 86, pp 1-9.

Colantonio, A., & Dixon, T. (2011). ***Urban regeneration and social sustainability***: Best practice from European cities. John Wiley & Sons .

Gerasmick & et al. (2008). Social disorganization, dieorder, social cohesion, informal control:a reformation and test of systemic social disorganization theory. Western Michigan University, doctoral dissertation.

Haralambos, 2010. The concept of social disorganization, from theories of deviance edited by Stuart .H. traub and Craig Little, peacock publishers, INC.

HeTaitel & et al. 2004***. Urban theory and the urban experience***, published by Routledge.

Jesus, E., Almeida, A., Sousa, N., & Coutinho-Rodrigues, J. (2019). A case study driven integrated methodology to support sustainable urban regeneration planning and management. ***Sustainability***, 11(15), 4129 .

Mylonas. C & Xenidis. Y (2018). Megaproject development in the context of sustainable urban regeneration, ***International Journal of Real Estate & Land Planning***,Vol.1, pp 377-384.

Orueta, F. D. (2015). New forms of collective action and local government: from 15-M to the Ahora Madrid government. ***In Social Innovation and Urban Governance***. Edward Elgar Publishing .

Said. SY (2018). Urban Regeneration and Conservation of Historic Areas in Malaysia, ***Asian Journal of Behavioural Studies*** (AjBeS), 3(11), p.201-210.

Seo, B. K., & Joo, Y. M. (2019). Innovation or episodes? Multi-scalar analysis of governance change in urban regeneration policy in South Korea. Cities, 92, 27-35 .

Speer. J (2019). Migrants and city-making: dispossession, displacement, and urban regeneration, ***Social & Cultural Geography***, Volume 20, Issue 5, pp 756-758.

Wolfram, M. (2018). Assessing transformative capacity for sustainable urban regeneration: A comparative study of three South Korean cities. ***Ambio,*** 48(5), 478-493.

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]

[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]

Journal of Geographical Studies of Mountainous Areas, Vol.1, No.3, Autumn2020,Serial No. 3

Doi:10.29252/gsma.1.3.37 **EISSN: 2717-2325**

http://gsma.lu.ac.ir

Pp. 37-52

Investigating the Effect of Dysfunctional Urban Tissues on Social Harms (Case study: Maragheh City)

Ahmad Pourahmad[*1], Professor of Human Geography Department, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Hataminejad, Professor of Human Geography Department, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Robab Maleki, M.Sc. Student of Human Geography Department, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 1 November 2020 ***Accepted: 9 December 2020***

Abstract

The phenomenon of worn out in urban textures affects its structure and the social and economic activities. Therefore, the present study seeks to investigate the effect of urban texture inefficiency on the incidence of social harms in Maragheh. The present research is descriptive-analytical and the information has been collected in the form of documents and field study. The research sample is 400 citizens of Maragheh who have been selected in a non-probability sampling approach. In this study, entropy, Vickor, T-test, Pearson correlation coefficient and linear regression tests were used to analyze the data. The results of the Vikor index showed that areas number 5 and 6 were designated as fully efficient; areas number 7 and 4 as relatively efficient areas, whereas areas number 3 and 2 as completely inefficient areas. Also, the assessment of the situation of social harms in the city of Maragheh showed that District 1 has the highest rate of social harms in this city. After that, areas 3, 2, 4, 7, 6 and 5, respectively, have witnessed the highest incidence of social harms. Finally, the results of Pearson correlation coefficient and linear regression tests showed that there is a positive and significant relationship between the inefficiency of urban texture and the occurrence of social harms in cities.

Keywords: Worn out texture, Dysfunctional urban texture, Social harms, Maragheh.

*[1] Corresponding Author: email: apoura@ut.ac.ir

To cite this article:
Porahmad, A., Hataminejad, H. & Maleki, R (2020). Investigating the effect of dysfunctional urban tissues on social harms (Case study: Maragheh city), Journal of Geographical Studies of Mountainous Areas, 1(3), 37-52. Doi:10.29252/gsma.1.3.37

[Downloaded from gsma.lu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.27172325.1399.1.3.1.4]
[DOI: Doi:10.29252/gsma.1.3.37]